

روح القدس

روح القدس کیست؟

روح القدس خود خداست. او یکی از شخصیت‌های خدای تثلیث است. همه مسیحیان ایمان دارند که خدا در ذات خود واحد است اما در عین حال همواره در این ذات واحد سه شکل یا حالت هستی وجود دارد که هر سه کاملاً خدا هستند که عبارتند از: پدر ما که در آسمان است، پسر که بر زمین آمد و انسان شد و روح القدس که در قلب ایمانداران زندگی می‌کند. عیسی مسیح و روح القدس بخشهایی از خدا نیستند، آنان به شکل کامل خدا هستند. درکی این موضوع برای ما مشکلست اما این حقیقتیست که در کتاب مقدس به ما تعلیم داده می‌شود. برای مثال، هنگامی که عیسی در آب تعمید گرفت، روح القدس به شکل کبوتر بر او نازل شد و پدر از آسمان سخن گفت: «تو پسر حبیب من هستی» (مرقس ۱۱-۹). عیسی به ما فرمود که به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهیم (میت ۱۹:۲۸). پولس رسول چنین دعا کرد: فیض عیسی خداوند و محبت خدا و شراکت روح القدس با جمیع شما باد (دوم قرنتیان ۱۳:۱۴). سخ شخصیت تثلیث پیوسته همراه با یکدیگر ذکر می‌شوند (افسیان ۶-۲: ۴۱۸، یهودا ۲۱-۲۰).

هر سه شخصیت یعنی، پدر، پسر، و روح القدس از یکدیگر متمایزند (یوحنا ۱۷-۱۴:۱۶، ۲۶، ۱۵-۱۶:۷، اول قرنتیان ۶-۱۲:۴، اول پطرس ۱:۲). اما آنان در عین حال با یکدیگر برابرند. هر سه شخصیت «خدا» خوانده می‌شوند (یوحنا ۶:۲۷، عبرانیان ۱:۸، اعمال ۴-۵:۳). هر سه حیات می‌بخشند (یوحنا ۵:۲۱، رومیان ۸:۱۱). هر سه حرمتی را که شایسته خداست دریافت می‌کنند (یوحنا ۵:۲۳، دوم قرنتیان ۱۳:۱۴). هر سه ازلی هستند (یوحنا ۱:۱، عبرانیان ۹:۱۴).

روح القدس را می‌توان اطفاء کرد (اول تسالونیکیان ۵:۱۹). با وجود این روح القدس نوعی قدرت یا انرژی نیست. او نیز دارای شخصیت است. روح القدس نیز همانند دیگر اعضای تثلیث، در رابطه خود با ما، شخصیت دارد. او سخن می‌گوید (اعمال ۲:۱۳)، او می‌تواند محزون شود (اشعیا ۶۳:۱۰، افسسیان ۴:۳۰)، و می‌تون به او بی‌حرمتی کرد (عبرانیان ۱۰:۲۹). سخن گفتن برضد روح القدس کفرگویی قلمداد می‌شود و گناهی محسوب می‌شود که آمرزیده نخواهد شد (مرقس ۲۹-۳:۲۸).

روح القدس با پدر و پسر یکیست. ما می‌توانیم این امر را در رومیان ۱۰-۹:۸ مشاهده کنیم یعنی جایی که «روح القدس» «روح خدا»، «روح مسیح»، و «مسیح» بجای یکدیگر بکار می‌روند و همه به معنای «خدا» هستند.

این یکی بودن بدین معنی نیست که هویت پدر و پسر و روح القدس یکیست. پسر پدر نیست، بلکه پسر یگانه اوست (یوحنا ۱۶:۳) و روح القدس نیز پدر یا پسر نیست، بلکه توسط پسر و پدر فرستاده می‌شود (یوحنا ۱۵:۲۶) اما فکر، اراده و هدف هر سه شخصیت واحد است، همانگونه که ذات هر سه واحدست. برخی خدای تثلیث را به تخم مرغی تشبیه کرده‌اند که از سه بخش پوسته، سفیده و زرده تشکیل شده اما هر سه با هم تخم مرغ را تشکیل می‌دهند. اما خدا سه بخش ندارد زیرا او ذات واحد است. همچنین برخی نیز تشبیه آب را متصور شده‌اند که به سه شکل آب، یخ و بخار وجود دارد اما در اصل یک چیز واحد است. در مقایسه با تشبیه قبلی این تشبیه مناسب‌تریست، زیرا در هر سه شکل ماده واحدی دیده می‌شود. اما مشکل این تشبیه آن است که آب همزمان نمی‌تواند در هر سه شکل وجود داشته باشد درحالی که خدا در زمانی واحد دارای سه شخصیت است (مرقس ۱۱-۱:۱۰).

بهتر است خدای پدر را نویسنده‌ای در نظر بگیریم که نمایشنامه‌ای را می‌نویسد. نمایشنامه نمایانگر دنیایست که ما در آن زندگی می‌کنیم. نویسنده شخصیتی را در نمایشنامه جای مدهد که شخصیت وی دقیقاً همانند شخصیت خود اوست. این شخصیت که دقیقاً شبیه نویسنده نمایشنامه است، عیسی است. روح نویسنده نیز در کل اثر دیده می‌شود که بر هر شخصیت نمایشنامه اثر می‌گذارد و به یک شخصیت قوت بخشیده و از دیگری قوت را باز می‌ستاند. این روح نیز شبیه روح القدس است که در جهان فعال است.

عمل روح القدس

قبل از هر چیز، روح القدس در آفرینش جهان فعال بود (پیدایش ۲-۱:۱). وی در بخشیدن دم حیات به انسان نقش داشت (پیدایش ۲:۷، ایوب ۴:۳۳). روح القدس همچنین به نویسندگان کتاب مقدس الهام بخشید و ایشان را هدایت کرد تا دقیقاً آنچه را بنویسند که خدا می‌خواست تا بگوید (اعمال ۲۸:۲۵، عبرانیان ۹:۸، ۱۰:۱۵، دوم پطرس ۱:۲۱).

روح القدس در عهدعتیق فعال بود او هم تعلیم می‌داد (نحمیا ۹:۲۰-۳۰) و بر قوم خدا نازل می‌شد تا بدیشان قدرت و عطایا ببخشد (اعداد ۱۱:۲۷-۱۸، اول سموئیل ۲۴-۱۹:۲۰، دوم پادشاهان ۱۴-۹:۲). با وجود این داود از این واهمه داشت که مبادا خدا روح مقدس خویش را از او بگیرد (مزمور ۵۱:۱۱). بنابراین شاید بتوان گفت که در دوران عهدعتیق، روح القدس در درون هر ایماندار ساکن نمی‌شد بلکه بر بعضی اشخاص در زمانهایی خاص نازل می‌گشت تا خدمتی خاص را انجام دهند.

توسط روح القدس نطفه مسیح در رحم مریم بسته شد (متی ۱: ۲۰). عیسی توسط روح القدس به قدرت مسح شد تا خدمت خود را آغاز کند (مرقس ۱: ۱۰، لوقا ۴: ۱۸، اعمال ۱۰: ۳۸). عیسی نیز همانند ما به مساعدت و قدرت روح القدس نیاز داشت، زیرا وی کاملاً انسان شده بود. هنگامی که وی بر زمین بود اگرچه طبیعت الهی خود را حفظ رد اما، قدرت و جلال خود را وا گذاشت (یوحنا ۱۷: ۵، فیلیپیان ۲: ۷).

در یوحنا بابهای ۱۶-۱۴ عیسی وعده آمدن عصر نوین روح را به شاگردان می‌دهد، زیرا وی قبلاً با ایشان زندگی کرده بود (یوحنا ۱۷-۱۴: ۱۶). «فرستاده شدن» روح القدس بدین شکل نوین بدین معنی نبود که وی پیش از آن در جهان حضور نداشت اما در عهدجدید روح القدس به طریقی خاص به جهان می‌آید تا برخی کارهای جدید انجام دهد.

روح القدس به شکلی خاص نازل می‌شود تا کلیسا یعنی بدن مسیح را تأسیس کند (افسیسیان ۲۳-۲۲: ۱، ۳۰-۲۹: ۵). روح القدس سرمنشأ یگانگی و مشارکت ما با یکدیگر است (اول قرنیتیان ۱۲: ۱۳، افسسیان ۴: ۳). روح القدس در روز پنطیکاست به کلیسا قدرت بخشید (اعمال ۴-۲: ۱)، یعنی واقعه‌ای که در عهدعتیق در مورد آن پیشگویی شده بود (یوئیل ۲۹-۲۸: ۲، اعمال ۱۸-۱۷: ۲). روح القدس عطایایی خاص به کلیسا می‌بخشد تا به کلیسا در خدمتش کمک کند (رومیان ۸-۱۲: ۶، اول قرنیتیان ۱۰-۱۲: ۸). او کلیسا را هدایت می‌کند تا اشخاص مناسب برای خدمت انتخاب شوند (اعمال ۱۳: ۲). و اوتوسط نبوتها، رویاها و مکاشفات کلام خود را به کلیسا می‌فرستد (اعمال ۱۶-۱۰: ۹، ۱۶: ۹، ۱۰-۲۱: ۹، اول قرنیتیان ۳۲-۱۴: ۲۶، اول تیموتاؤس ۴: ۱۴، مکاشفه ۱: ۱).

اما عصر نوین فقط برای کلیسا که بعنوان یک جامعه الهی مطرح است، فرا نمی‌رسد بلکه روح القدس عمیقاً در زندگی هر ایماندار عمل می‌کند. این روح القدس است که انسانها را به گناهشان ملزم می‌کند (یوحنا ۱۱-۸: ۱۶). حزقیال نبوت کرد که خدا روح خود را در درون هر یک از ما خواهد نهاد (حزقیال ۲۸-۳۶: ۲۵). عیسی وعده داد که تنها روح القدس در شاگردان ساکن نخواهد بود بلکه او نیز بزودی در ایشان ساکن خواهد شد. (یوحنا ۱۴: ۱۸). پیش از صعود عیسی به آسمان، وی بر شاگردان مید و فرمود: «روح القدس را بیابید» (یوحنا ۲۰: ۲۲). روح القدس در همه مسیحیان زندگی می‌کند (رومیان ۸: ۹، اول قرنیتیان ۶: ۱۹، غلاطیان ۴: ۶). هنگامی که ما ایمان می‌آوریم، از روح متولد می‌شویم (یوحنا ۶-۳: ۳، اول یوحنا ۵: ۱) و روح القدس بر روحهای ما شهادت می‌دهد که ما فرزندان خدا هستیم (رومیان ۸: ۱۶، اول یوحنا ۸-۵: ۶). روح القدس این حق را به ما می‌دهد که خدا را پدر خود بخوانیم (رومیان ۸: ۱۵، غلاطیان ۴: ۶). عیسی وعده داد که روح القدس به ما تعلیم خواهد داد (یوحنا ۱۴-۱۴: ۱۵۲۶: ۱۳: ۱۶) و ما را هدایت خواهد کرد (مرقس ۱۱: ۱۳). ما در اعمال ۱۵: ۲۸ و ۷-۱۶: ۶

نمونه‌هایی از این امر را می‌بینیم. روح‌القدس همچنین به ما کمک می‌کند تا مطابق اراده خدا دعا کنیم (رومیان ۲۷-۲۶).

روح‌القدس در درون هر مسیحی زندگی می‌کند (رومیان ۹:۸) با وجود این وی در ایمانداران مختلف به طرق مختلف کار می‌کند. پولس رسول می‌گوید هنگامی که ما ایمان آوردیم با روح مختوم شدیم (افسیسیان ۱۴-۱۳:۱). اما او درعین حال به ما می‌گوید که از روح پر شویم (افسیسیان ۱۸:۵). شاگردان در یوحنا ۲:۲ روح‌القدس را یافتند اما در اعمال ۴:۲ از روح پر گشتند و در اعمال ۳۱:۴ مجدداً پر از روح شدند. روح‌القدس همچنین برای خدماتی خاص، به طریقی خاص بر اشخاص قرار می‌گیرد (اعمال ۴-۱۳:۲، اول تیموتاؤس ۴:۱۴). پولس رسول به ما می‌گوید که روح را اظفا مکنید (اول تسالونیکیان ۵:۱۹). به تیموتاؤس نیز گفته می‌شود که عطایی را که توسط نهادن دستهای پولس بر او داده شده است برافروزد (دوم تیموتاؤس ۱:۶). پس مشاهده می‌کنیم که ما هم می‌توانیم به روح‌القدس اجازه دهیم که هرچه بیشتر در ما عمل کند و هم می‌توان عمل او را در خود متوقف سازیم. ما هم می‌توانیم از روح پر شویم و هم روح را اظفا کنیم.

این «پر شدن از روح‌القدس» به چه معناست؟ کدام جنبه از اعمال روح‌القدس در زندگی همه مسیحیان به یک شکل دیده نمی‌شود؟ این اعمال را به دو گروه می‌توان تقسیم کرد که عبارتند از: عطایای خاص روح‌القدس که نمونه‌هایی از آن در اول قرن‌تین ۱۰-۱۲:۸ دیده می‌شود و ثمرات روح‌القدس که در غلاطیان ۲۳-۲۲:۵ ذکر شده‌اند. برای بررسی بیشتر عطایا و قدرت روح‌القدس به مقاله عمومی «تعمید روح‌القدس» مراجعه کنید. در سطور ذیل ثمرات روح یا «تقدس» بررسی شده.

تقدیس

تقدیس چیست؟ بطور خلاصه تقدیس یعنی شبیه شدن به مسیح. نتیجه تقدیس محبت و دیگر ثمرات روح است (اول قرن‌تین ۱۳-۱:۱۳، غلاطیان ۲۳-۲۲:۵). تقدیس شامل جدا شدن از گناه و جهان می‌شود اما درعین حال شامل جدا شدن برای خدا نیز می‌شود بگونه‌ای که تمامی تواناییها و قابلیت‌های ما وقف خدا می‌شود. خدا به شکلی به ما می‌نگرد که گویی از قبل مقدس شده‌ایم (عبرانیان ۱۰:۱۰). اما ما در زندگی خود عدم وجود تقدس را می‌بینیم. چگونه می‌توان این پدیده را توضیح داد؟ در کتاب مقدس دو معنا برای تقدس ذکر شده است. در معنای نخستین، خدا بعنوان داور، ما را مقدس یا بی‌عیب می‌شمرد. در واقع عیسی مسیح تقدس ماست (اول قرن‌تین ۱:۳۰) و ما «مقدسین» خوانده شده‌ایم (افسیسیان ۱:۱ و فیلیپیان ۱:۱).

اما معنای دوم تقدس در کتاب مقدس آن میزان واقعی تقدس است که ما در زندگی و تجربه خود از آن برخورداریم. آیا هنگامی که به زندگی خود می‌نگریم، تقدس کامل را مشاهده می‌کنیم؟ خیر، ما چنین چیزی را مشاهده نمی‌کنیم. مسیحیان هنگامی که از نجات بهره‌مند می‌شوند عادل شمرده می‌شوند اما آنان کماکان اشخاصی گناهکار هستند و نیاز دارند تا مقدس شوند. عملکرد مستمر روح القدس همانا تقدیس کردن ماست که بدین وسیله ما در زندگی روزمره خود حقیقتاً مقدس می‌شویم (دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳، اول پطرس ۱: ۲). خدا ما را می‌خواند تا زندگی مقدسی داشته باشیم (افسیسیان ۱: ۴، اول تسالونیکیان ۴: ۷-۳ اول پطرس ۱۶-۱: ۱۵)، و عیسی نیز به ما حکم کرده است که مقدس یا کامل باشیم (متی ۵: ۴۸). اما در عمل این روح القدس است که ما را تقدیس کرده و مقدس می‌سازد.

تقدس در بطن نجات ما نهفته است (دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳). بدون تقدس ما نمی‌توانیم خدا را ببینیم (عبرانیان ۱۲: ۱۴). تقدس ویژگی‌ای نیست که برای نجات یافتن باید آن را داشته باشیم بلکه ویژگی‌ای است که چون ما قبلاً نجات یافته‌ایم، دست یافتن به آن برای ما ممکن است (رومیان ۶: ۲۲). ما تنها توسط تلاشهای خودمان نمی‌توانیم مقدس شویم و روح القدس باید در این زمینه به ما کمک کند. توسط روح القدس است که ما گناهان طبیعت گناآلودمان را نابود می‌سازیم (رومیان ۸: ۱۳). پولس در مورد این موضوع حساسیت نشان می‌دهد که مسیحیان غلاطیه که زندگی مسیحی خود را با پذیرش نجات بعنوان عطای مجانی خدا آغاز کرده بودند، برای کامل یا مقدس شدن مجدداً به تلاشهای انسانی متوسل می‌شوند (به غلاطیان ۳: ۳ و مقاله عمومی «طریق نجات» مراجعه کنید).

تنها توسط روح القدس است که ما می‌توانیم مقدس شویم. اما این سخن بدین معنی نیست که در این فرآیند ما سهمی نداریم. ما باید تأدیب خدا را بپذیریم (عبرانیان ۱۱-۱۲: ۹). باید بدنهای خود را در تقدس تربیت کنیم (اول قرنتیان ۲۷-۲۹: ۲۴، اول تیموتاؤس ۴: ۷). ما باید هر گناهی را از جسم یا روحمان دور کنیم (دوم قرنتیان ۷: ۱، عبرانیان ۲-۱۲: ۱). ما باید کتاب مقدس را مطالعه کنیم (دوم تیموتاؤس ۳: ۱۶). آیات آن را حفظ کنیم (مزمور ۱۱۹: ۱۱، دوم پطرس ۱: ۴) و آنگاه به کلام خدا اجازه دهیم که رفتار ما را تغییر دهد. ما می‌توانیم از رهبرانی که خدا برای رهبر ما تعیین کرده، کمک دریافت کنیم (افسیسیان ۱۳-۱۱: ۴). علاوه بر همه اینها، ما باید دعا کنیم تا خدا به ما کمک کند^۵ کولسیان ۱-۹: ۱، تسالونیکیان ۱۳-۱۲: ۳، ۲۳: ۵) در غیر این صورت شکست خواهیم خورد.

برخی مسیحیان براین باورند که مرحله خاص دیگری وجود دارد، یعنی تجربه مجزایی که ما را تقدیس می‌کند. آنان براین باورند که پس از دعای بسیار و طلبیدن خدا، ما می‌توانیم تقدس را توسط تجربه‌ای خاص

دریافت کنیم و می‌توانیم با اطمینان بدانیم که آن را یافته‌ایم. آنان این تجربه تقدیس را «عمل ثانوی فیض» می‌نامند (عمل نخست فیض منجر به نجات ما می‌شود). این مسیحیان تعلیم می‌دهند که نجات نخستین ما باعث می‌شود تا ما تولد تازه بیابیم و از دنیا جدا شویم (اول یوحنا ۴:۵) و روح‌القدس در ما ساکن گردد (رومیان ۸:۹). در این مرحله ما در مسیح اطفال هستیم (اول قرنتیا ۱:۳). اما «عمل ثانوی فیض» که گاهی «برکت ثانوی» خوانده می‌شود، منجر به تقدیس ما و جدا شدن ما از خویشتن (غلاطیان ۲:۲۰) و پرشدن از روح‌القدس می‌شود (افسسیان ۵:۱۸). پس از آن ما کامل شده (افسسیان ۴:۱۳) و محبت خدا در ما کامل می‌شود (اول یوحنا ۴:۱۷۱۲). بسیاری از این مسیحیان براین باورند که ما می‌توانیم کاملاً مقدس باشیم بگونه‌ای که چه بشکل آگاهانه و چه بشکل ناآگاهانه، مرتکب گناه نشویم (اول یوحنا ۳:۹). آنان براین باورند که بخش پایانی باب هفتم رساله رومیان تصویری از مسیحی نابالغ ناکامل ترسیم می‌کند، درحالی که باب هشتم رومیان تصویری از مسیحی بالغ و کامل است که از تجربه «برکت ثانوی» بهره‌مند شده است. آنان بر پری روح‌القدس در اعمال ۲:۴ و ۹:۱۷ بعنوان نمونه‌هایی از این تجربه تقدس اشاره می‌کنند (به مقاله عمومی «تعمید روح‌القدس» مراجعه کنید).

با وجود این بسیاری از مسیحیان براین باورند که تقدیس فرآیندی تدریجیست که مستلزم گذشت زمان است و حتی هنگامی که ما می‌میریم، پایان نمی‌یابد. آنان به وجود تجربه‌ای مجزا برای تقدیس باور ندارند. آنان به آیات اشاره می‌کنند که می‌گویند ما در حال مقدس شدنیم (غلاطیان ۳:۳، عبرانیان ۱۰:۱۴، ۱۱-۱۲:۱۰) یا آیات که می‌گویند ما؛ هنوز در حال رسیدن به هدفیم و پیوسته باید علیه گناه مبارزه کنیم (عبرانیان ۴-۱۲:۱). بسیار از آیات عهدجدید به ما می‌گویند که باید بدنهای خود را «ریاضت» دهیم، خود را بعنوان «قربانی» زنده تقدس خدا کنیم، در مسابقه «بدویم» یا «بجنگیم» و وجود چنین آیانی نشانگر این هستند که ما هنوز کاملاً مقدس نشده‌ایم. خود پولس رسول می‌گوید که او هنوز کامل نشده است، اما برای کاملیت کماکان تلاش می‌کند (فیلیپیان ۱۴-۱۲:۳)، اگر چه او خود را جزو اشخاص کامل می‌داند (فیلیپیان ۳:۱۵). برخی به اول یوحنا ۸:۱ اشاره می‌کنند که یوحنا رسول می‌گوید اگر ادعا کنیم که بی‌گناه هستیم، اشخاص صادقی نیستیم. هرچقدر در مسیح «کاملتر» و «بالغتر» می‌شویم، بیشتر به عدم کمال خود و گناهکار بودنمان پی می‌بریم. پولس رسول در پایان زندگی‌اش می‌گوید که در میان گناهکاران او بزرگترین گناهکاران است (اول تیموتاؤس ۱:۱۵). مسیحیانی که ای دیدگاه دوم را می‌پذیرند، معمولاً معتقدند که بخش پایانی باب هفتم رومیان به شخص مسیحی در مبارزه هر روزه‌اش با گناه اشاره دارد. آنان براین باورند که یک مسیحی می‌تواند بتدریج از حیات پیروزمندانه‌ای که در

باب هشتم رومیان ذکر شده، بهره‌مند شود و به شکل فزاینده‌ای آن را تجربه کند، اما در این جهان جنگ او علیه طبیعت گناه‌آلود قدیمی، هرگز به شکل کامل پایان نمی‌گیرد.

هر مسیحی تجربه‌ای متفاوت از دیگر مسیحیان می‌تواند داشته باشد. بسیاری از مسیحیان می‌گویند که «برکت ثانوی» یا پری ویژه روح‌القدس را دریافت کرده‌اند. برخی مسیحیان تجربه دوره‌های ناگهانی تقدس فزاینده را علاوه به تجربه تدریجی تقدیس تجربه کرده‌اند. خدا در زندگی اشخاص مختلف به طرق گوناگون عمل می‌کند. ما نباید بر اساس تجربه خاص شخص خودمان، برای عملکرد روح‌القدس محدودیت قائل شویم. ما در مورد تجربه تقدیس هر باوری هم که داشته باشیم، مسئولیت‌مان مشخص است: به ما حکم شده است که مقدس باشیم. پولس رسول می‌نویسد:... در هر سیرت مقدس باشید (اول پطرس ۱:۱۵). در پی سلامتی با همه بکشید و تقدسی که بغیر از آن هیچ کس خداوند را نخواهد دید (عبرانیان ۱۲:۱۴).

تعمید روح‌القدس

مرقس ۱:۸... او (عیسی) شما را به روح‌القدس تعمید خواهد داد.

لوقا ۲۴:۴۹... پس شما در شهر اورشلیم بمانید تا وقتی که به قوت از اعلی آراسته شوید.

یوحنا ۱۷-۱۴:۱۶ و من از پدر سؤال می‌کنم و تسلی دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد

یوحنا ۲۰:۲۲... عیسی دمید و به ایشان گفت: «روح‌القدس را بیابید»

اعمال ۱:۵... شما بعد از اندک ایامی به روح‌القدس تعمید خواهید یافت.

اعمال ۱:۸... لیکن چون روح‌القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت.

اعمال ۴-۲:۱ و همه از روح‌القدس پر گشته، به زبانهای مختلف... به سخن گفتن شروع کردند.

اعمال ۳۹-۲:۳۸ پطرس بدیشان گفت: ... و عطای روح‌القدس را خواهید یافت.

اعمال ۱۷-۸:۱۴ پطرس و یوحنا... دستها برایشان (سامریها) گذارده، روح‌القدس را یافتند.

اعمال ۴۸-۱۰:۴۴... روح‌القدس بر همه آنانی که کلام را شنیدند، نازل شد... برامتها نیز عطای روح‌القدس

افاضه شد.

اعمال ۶-۱۹:۱ و چون پولس دست برایشان نهاد، روح‌القدس برایشان (افسسیان) نازل شد و به زبانها متکلم

گشته، نبوت کردند.

اول قرن‌تین ۱۱-۷:۱۲ ولی هر کس را ظهور روح به جهت منفعت عطا می‌شود. یکی را بوساطت روح، کلام حکمت داده می‌شود و دیگر را کلام علم... و یکی را ایمان... دیگری را نعمتهای شفا دادن... یکی را قوت معجزات... دیگری را نبوت... یکی را تمیز ارواح... دیگری را اقسام زبانها و دیگری را ترجمه زبانها.

تعمید روح القدس چیست

برای نخستین بار در عهدجدید، یحیای تعمید دهنده به تعمید روح القدس اشاره می‌کند (متی ۱۱:۳، مرقس ۸:۱، لوقا ۱۶:۳). یحیی می‌گوید که تعمید او با (یا در) آب است اما عیسی ایمانداران را با (یا در) روح القدس و آتش تعمید خواهد داد. در مورد تعمید آب، شبان یک کلیسا شخص ایماندار را با (یا در) آب تعمید می‌دهد اما در {P} - واژه یونانی «با» در متی ۱۱:۳ و لوقا ۱۶:۳ همچنین به معنای «در» نیز می‌تواند باشد. به هر حال هر یک از این واژگان هم بکار گرفته شوند، تغییر در معنی بوجود نمی‌آید. {P}

مورد تعمید روح القدس، خود عیسی شخص ایماندار را با (یا در) روح القدس تعمید می‌دهد. عیسی خودش اصطلاح تعمید روح القدس را بکار می‌گیرد و بین تعمید یحیی با آب و تعمید روح القدس تمایز قائل می‌شود. عیسی همچنین تعمید با روح القدس را بعنوان تجربه‌ای توصیف می‌کند که در هنگام وقوع آن، روح القدس بر شاگردانش نازل می‌شود و آنان قوت می‌یابند (اعمال ۸:۱). در اعمال ۴:۱ و لوقا ۲۴:۴۹، عیسی به شاگردانش می‌گوید که منتظر یافتن این قدرت باشند.

شاگردان منتظر دریافت این تجربه ماندند و در روز پنطیکاست تعمید روح القدس را یافتند (اعمال ۴-۲:۱). آنان با قدرتی که روح القدس بدیشان بخشید شروع به تکلم به زبانهای مختلف کردند. بعدها ما شاهد هستیم که عطایای روح القدس توسط رسولان و شماسان در کلیسای اولیه بکار گرفته می‌شود (اعمال بابهای ۹-۳). در عهدجدید در مورد اشخاصی مطالعه می‌کنیم که از سوی روح القدس عطایای خاص و قدرت می‌یافتند (اول قرن‌تین فصلهای ۱۴-۱۲، دوم قرن‌تین ۱۲:۱۲، اول تیموتاؤس ۴:۱۴، دوم تیموتاؤس ۱:۶).

سؤال این است که آیا امروزه ما می‌توانیم از قدرت روح القدس و عطایای خاص بهره‌مند شویم و اگر می‌توانیم از آنها بهره‌مند شویم، چه زمانی و چگونه می‌توانیم آنها را بیابیم؟

تجارب مربوط به قدرت روح القدس

کتاب مقدس به روشنی تعلیم می‌دهد که روح القدس در درون همه ایمانداران ساکن است (رومیان ۸:۹، اول قرنیتیان ۶:۱۹، غلاطیان ۴:۶)، اما او می‌تواند به اشکال مختلف در زندگی ایمانداران مختلف عمل کند. یحیای تعمید دهنده، از هنگامی که در رحم مادرش بود، پر از روح القدس بود (لوقا ۴۴-۱:۴۱۱۵). پس از تعمید آب عیسی، روح القدس به شکل کبوتری بر او نازل شد (مرقس ۱:۱۰، یوحنا ۳۳-۱:۳۲). عیسی در طول خدمت خویش بر زمین، به شاگردانش قدرت و اقتدار داد تا بیماریها را شفا دهند و دیوها را اخراج کنند. وی این قدرت را هم به دوازده شاگرد اصلی خود و هم به هفتاد و دو شاگرد دیگر داد (لوقا ۱۹-۱۰۲:۱۷۹۱-۱:۹). او بعدها وعده داد که روح القدس نه تنها با آنها بلکه در آنها نیز خواهد بود (یوحنا ۱۷-۱۴:۱۶). پیش از روز پنطیکاست عیسی بر شاگردان خود دمید و فرمود: «روح القدس را بیابید» (یوحنا ۲۰:۲۲). اما او همچنین به همین شاگردان گفت که منتظر روح القدس باشند که با قدرت برایشان نازل خواهد شد یعنی منتظر تعمید روح القدس باشند (لوقا ۲۴:۴۹، اعمال ۱:۴). هنگامی که آنان در باب دوم کتاب اعمال رسولان روح القدس را به جهت برخوردار شدن از قوت و عطایا دریافت کردند، این رخداد را می‌توان آغاز دوران خدمت کلیسا دانست. شاگردان همه جا موعظه می‌کردند، کسانی را که توبه می‌کردند شاگرد مسیح می‌ساختند، ایشان را با آب تعمید می‌دادند و تشویقشان می‌کردند تا روح القدس را دریافت کنند تا قدرت بیابند و عطایای خاص را دریافت کنند (اعمال ۹:۱۷-۸:۱۴، ۶-۱۹:۱، اول قرنیتیا ۱۰-۱۲:۸).

در زبان یونانی واژه‌های بسیاری برای توصیف تجربه تعمید روح القدس بکار گرفته شده‌اند. ما قبلاً اصطلاحات {P} - عهدجدید در اصل به زبان یونانی به نگارش درآمده است. {P}

«تعمید با روح القدس» (اعمال ۱:۱۱۵:۱۶)، «قوت یافتن» (اعمال ۸:۱) و «نازل شدن» روح القدس (اعمال ۸:۱:۸:۱۶:۱۰۱۶:۱۰۱۶:۱۱۴۴:۱۹۱۵:۶) را بررسی کردیم. همچنین در عهدجدید اصطلاحات «پرشدن از روح القدس» (اعمال ۲:۴، ۴:۹۳۱:۱۷)، «افاضه شدن روح القدس» (اعمال ۱۰:۴۵)، و «یافتن روح القدس» (اعمال ۸:۱۰۱۵:۴۷، ۱۹:۲) نیز بکار گرفته شده است. به این موضوع توجه داشته باشید که همان شاگردانی که در لوقا ۹:۱۰۲-۹:۱، ۱۷-۱۹ قوت و عطایا را یافتند و مجدداً در یوحنا ۲۲:۲۰ روح القدس را دریافت کردند، مجدداً در اعمال باب دوم روح القدس را یافتند (به اعمال ۱۰:۴۷ مراجعه کنید). همان شاگردانی که در اعمال ۳:۴ «پراز» روح القدس شدند، مجدداً در اعمال ۴:۳۱ «پراز» روح القدس گشتند. می‌توان مشاهده کرد که به تجارب مختلف می‌توان نام واحدی را اطلاق کرد و به یک تجربه واحد می‌توان دو یا سه نام مختلف داد.

علاوه بر این همان تجربه واجد در کتاب اعمال رسولان در زمانهای مختلف و به طرق مختلف بوقوع می‌پیوندد. این تجربه گاهی (۱) پس از ایمان آوردن و پس از دریافت روح القدس که قبلاً به شکلی به فرد داده

شده، رخ می‌دهد. (یوحنا ۲۰:۲۲، اعمال ۲:۴، ۲(۴:۳۱) گاهی پس از ایمان آوردن و چند روز پس از تعمید آن بوقوع می‌پیوندد (اعمال ۱۷-۹:۳) در هنگام ایمان آوردن و پیش از تعمید آب بوقوع می‌پیوندد (اعمال ۴۸-۱۰:۴۴) گاهی نیز پس از ایمان آوردن و چند دقیقه پس از تعمید آب رخ می‌دهد (اعمال ۶-۱۹:۱). برای برخی، روح القدس هنگامی نازل می‌شود که برایشان دست نهاده شود (اعمال ۸:۱۷، ۹:۱۹۱۷:۶، دوم تیموتاؤس ۱:۶) و برای برخی دیگر نزول روح القدس بدون نهادن دست برایشان صورت می‌گیرد (اعمال ۲:۴، ۴:۳۱، ۱۰:۴۴).

بنابراین با بررسی این آیات درمی‌یابیم که روح القدس می‌تواند به اشکال مختلف بر یک ایماندار نازل شود و به طرق مختلف در وی کار کند. روح القدس آزادی عمل خودش را دارد و ما نباید قوانین مورد علاقه خود را بر او تحمیل کنیم. موضوع اصلی این است که آیا قدرت روح القدس به شکل آشکار در زندگی امان دیده میشود. ما باید دعا کنیم که این قدرت به شکلی آشکار در زندگی امان دیده شود (اعمال ۱۷-۸:۱۴، ۹:۱۷). روح القدس، به هر طریقی در زندگی یک مسیحی عمل کند، ما باید خدا را بخاطر عملکردش شکر کنیم.

قدرت روح القدس در کلیسا

همه مسیحان ایمان دارند که روح القدس در وجود هر کسی که به عیسایمان دارد، حضور دارد (رومیان ۸:۹، افسسیان ۴:۳۰). بسیاری از مسیحیان همچنین معتقدند که ما روح القدس را در تعمید آب و شام خداوند بطریقی خاص دریافت می‌کنیم (اول قرنتیان ۴-۱۰:۲، ۱۲:۱۳، تیطس ۳:۵). برخی دیگر نیز معتقدند که روح القدس می‌تواند به شکلی خاص و برای خدمتی خاص همچون خدمت شبانی، شماسی یا خدمت بشارت عطا شود (اعمال ۳-۶:۱۳۶:۲، اول تیموتاؤس ۴:۱۴، دوم تیموتاؤس ۱:۶) یا برای دریافت قدرت مضاعف و تشویق و دلگرم شدن (اعمال ۴:۳۱).

در کلیسای اولیه این باور وجود داشت که هنگامی که رهبران کلیسا به شکلی که در اعمال ۱۷-۸:۱۴ توصیف شده است بر مسیحیان دیگر دست می‌گذارند، آنان به طریقی خاص قدرت و عطایای روحانی را دریافت می‌کنند. کلیسای اولیه بر این باور بود که این تجربه، تجربه‌ای مجزا از ایمان آوردن و تعمید آب بود. در چندین قرن اول تاریخ کلیسا، این دیدگاه در کلیسا دیدگاه غالب بود.

با وجود این، در طی قرون بعدی تاریخ کلیسا، بسیاری از مسیحیان قدرت خاص یا عطایای ویژه روح را به شکلی که در اول قرنتیان ۱۱-۱۲:۷ توصیف شده، در زندگی‌اشان تجربه نمی‌کردند. برای مثال بسیاری شفای فردی بیمار را بر اثر قدرت الهی هرگز مشاهده نکردند. بتدریج برخی این نظر را مطرح کردند که خدا این قوت

خاص و عطایای ویژه را منحصرأً به کلیسای اولیه داده بود. در حال حاضر برخی از مسیحیان براین باورند که بسیاری از این عطایا امروزه دیگر در کلیسا وجود ندارد. این گروه به اول قرن‌تین ۱۰-۱۳:۸ اشاره می‌کنند که پولس در این آیات می‌گوید هنگامی که کامل آید، نبوتها، زبانها و علم، نیست خواهند شد. این مسیحیان براین باورند که منظور از آمدن «کامل» تکمیل شدن متن عهدجدید است که حدود یکصد سال پس از مصلوب شدن مسیح، به شکل کامل به نگارش درآمد.

اما بسیاری از مسیحیان براین باورند که امروزه نیز همه عطایا در دسترس ما هستند و علاوه بر این دعا می‌کنند که آنان این عطایا را تجربه می‌کنند. آنان معتقدند که اول قرن‌تین ۱۰-۱۳:۸، پولس به زمان آینده اشاره می‌کند یعنی زمانی که ما عیسی را روبرو خواهیم دید (اول قرن‌تین ۱۳:۱۲). آنان خاطرنشان می‌سازند که در طول کل تاریخ کلیسا، قدرت روح‌القدس و عطایای آن در زمانهای مختلف و در مکانهای مختلف ظاهر شده است. در واقع از ابتدای قرن بیستم عطایا و قدرت روح‌القدس به شکل فزاینده‌ای دیده شده است. این مسیحیان به وعده‌های بزرگی که در مرقس ۱۸-۱۶:۱۷، یوحنا ۱۴:۱۲، اعمال ۱۸-۲:۱۷ وجود دارد و در آنها به آیات و عطایای خاصی که ویژه ایمانداران است اشاره شده استفاده می‌کنند.

{ P - اول قرن‌تین ۱۲:۱۳ آیه دیگرست که نظرات متفاوتی در مورد آن وجود دارد. در مورد معنای این آیه دو نظر وجود دارد. برخی براین باورند که این آیه باید بدین شکل خوانده شود. زیرا که جمیع ما (در) یک روح در یک بدن تعمید یافتیم. اگر چنین قرائتی از این آیه صحیح باشد، احتمالاً این آیه تنها به تعمید روح‌القدس اشاره دارد و نه تعمید آب. بنابراین برخی مسیحیان تعلیم می‌دهند که همه مسیحیان در روح‌القدس تعمید یافته‌اند اما این تعمید تجربه‌ای نیست که توسط آن ما قدرت و عطایا از روح‌القدس می‌یابیم بلکه اصطلاحی است که برای توصیف تولد روحانی ما به هنگام ایمان آوردنمان به عیسی، آن را بکار می‌گیریم با وجود این بسیاری از مترجمان براین باورند که این آیه را باید بدین شکل خواند: زیرا که جمیع ما (توسط) یک روح در یک بدن تعمید یافتیم. براین اساس بسیاری از مسیحیان براین باورند که این آیه عمدتاً به تعمید آب اشاره دارد. بنابراین بسیاری از این مسیحیان چنین نتیجه می‌گیرند که تعمید یافتن «در» روح‌القدس در آیات دیگر عهدجدید، صرفاً به تولد روحانی نوین ما اشاره نمی‌کند بلکه در وهله نخست به تجربه ما در دریافت قدرت و عطایا اشاره دارد. بنابراین این گروه از مسیحیان می‌گویند که قدرت و عطایای روح‌القدس امروزه در اختیار کلیسا هستند.

این دو دیدگاه از آنجا ناشی می‌شود که واژه اصلی یونانی که آن را «در» و «توسط» ترجمه کردیم، در زبان یونانی به دو معنا می‌تواند بکار گرفته شود. برخی از قسمتهای کتاب‌مقدس این واژه به روشنی معنای «در» دارد

(اول قرن‌تین ۱: ۱۱۲: ۲۵، افسسیان ۱: ۱۱). و در برخی قسمت‌های دیگر کتاب مقدس این واژه به روشنی به معنای «توسط» عمل فردی دیگر است (رومیان ۵: ۹، اول قرن‌تین ۱۲: ۹، افسسیان ۲: ۱۳). {P}

ما چه زمانی و چگونه این قدرت را می‌یابیم؟

در میان مسیحیانی که معتقدند که امروزه نیز عطایا و قدرت روح القدس می‌توانند در کلیسا وجود داشته باشند، در مورد اینکه ما چه زمانی و چگونه می‌توانیم آنها را دریافت کنیم، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. بسیاری برای این باورند همانند نمونه کتاب اعمال ۱۰: ۴۴ «تعمید روح القدس» را همه ایمانداران در زمان ایمان آوردن می‌یابند اما ممکن است عطایای روح القدس پس از گذشت چند سال در زندگی مسیحیان ظاهر شوند. گروهی دیگر نیز برای این باورند که «تعمید روح القدس» در زمان تعمید آب بوقوع می‌پیوندد و در این مورد به تعمید عیسی در متی ۱۷: ۳-۱۶ و وقایع اعمال ۶-۱۹: ۵ اشاره می‌کنند که در این موارد روح القدس مدت کوتاهی پس از تعمید آب نازل می‌شود. هر دو گروه فوق برای این باورند که آیات دیگری که در اعمال رسولان در این مورد وجود دارند استثنائاتی هستند که با طریق معمولی دریافت روح القدس متفاوتند که به نظر ایشان معمولاً در هنگام ایمان آوردن یا تعمید آب، فرد این تعمید را می‌یابد. از آنجایی که قدرت و عطایای روح که در ابتدای زندگی مسیحی و در هنگام ایمان آوردن یا تعمید دریافت می‌شوند، ممکن است در سال‌های بعدی ظاهر نشوند. این مسیحیان برای این باورند که ما باید دعا کنیم و از خدا بخواهیم که این عطایا را در زندگی امان ظاهر سازد.

گروهی دیگر از مسیحیان برای این باورند که قسمت‌های مختلف کتاب اعمال رسولان نشان می‌دهند که قدرت و عطایا را می‌توان در هر زمانی دریافت کرد اما معمولاً زمان دریافت آنها را زمانی مجزا از ایمان آوردن و تعمید آب می‌دانند (اعمال ۲: ۴، ۸: ۱۷، اول تیموتاؤس ۴: ۱۴، دوم تیموتاؤس ۱: ۶). آنان برای این باورند که اگر شخصی از خدا بخواهد، قدرت روح القدس بر او نازل خواهد شد. آنان می‌گویند هر کس که بخواهد می‌تواند از این قدرت بهره‌مند شود. آنان همچنین برای این باورند که اگر شخصی از رهبران کلیسا بخواهد که بر او دست بگذارند و برایش دعا کنند، این کار به دریافت این قدرت کمک می‌کند (اعمال ۸: ۱۷، ۱۹: ۶).

در اینجا سؤال دیگری مطرح می‌شود. عطایا زبانها در زندگی ما تا چه حد اهمیت دارد؟ هر سه گروهی که در سطور فوق به آنها اشاره شد، معتقدند که عطایا زبانها، یکی از نشانه‌های دریافت روح القدس است. عطایا زبانها، توانایی تکلم به زبانیست که روح القدس آن را به شخص می‌بخشد، زبانی که شخص از قبل آن را نمی‌دانست (اول قرن‌تین ۱۲: ۱۰، ۵-۱۴: ۱). در عهد جدید، تقریباً تمام کسانی که تعمید روح القدس را دریافت کردند، خدا را به زبانی دیگر پرستش کردند (مرقس ۱۶: ۱۷، اعمال ۲: ۴، ۱۰۶۴۶، ۱۹: ۶، اول قرن‌تین ۱۴: ۱۸). اما

در مورد اینکه این عطا برای تمام ایمانداران است یا تنها به اشخاص کمی محدود می‌شود، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد.

برخی مسیحیان بر این باورند که خواست خدا این است که تنها تعداد اندکی از مسیحیان به زبانی خاص سخن بگویند. واقعیت انکار ناپذیر آن است که مسیحیان بسیاری را می‌توان یافت که اشخاصی بسیار روحانی هستند اما این عطا را دریافت نکرده‌اند. پولس رسول خود می‌گوید: همه به زبانها متکلم هستند؟ (اول قرن‌تین ۱۲:۳۰). منظور پولس این است که همه به زبانها تکلم نمی‌کنند. مسیحیانی که این دیدگاه را دارند ممکن است ایمان داشته باشند که می‌توان از خدا خواست که این عطا را به ایمانداران ببخشد، زیرا توسط این عطا می‌توان از برکات زیادی برخوردار شد. اما آنان خاطر نشان می‌کنند که در کتاب مقدس به روشنی گفته نشده است که از همه انتظار می‌رود که به زبانها سخن بگویند.

اما گروهی دیگر از مسیحیان هستند که معتقدند نشانه اصلی یا دلیل تعمید روح القدس در یک شخص، توانایی تکلم به زبانی خاص است. آنان خاطر نشان می‌سازند که پولس نیز می‌نویسد که می‌خواهد تا همه قرن‌تین به زبانی دیگر تکلم کنند (اول قرن‌تین ۱۴:۵). بنابراین، این گروه از مسیحیان ایمان دارند که دو نوع عطای تکلم به زبانها وجود دارد: نوع نخست عطای بیان پیغام خدا به جمع اشخاص است که تنها به اشخاصی اندک داده می‌شود و باید همراه با ترجمه باشد (اول قرن‌تین ۵-۱۴:۱). و نوع دوم عطایی مخصوص پرستش فردی اشخاص است که به همه ایمانداران داده می‌شود (اول قرن‌تین ۱۷-۱۴:۱۵۲). از دیدگاه آنان، اول قرن‌تین ۱۲:۳۰ تنها به نوع اول عطای زبانها که در خدمت «دادن پیغام» به جماعت است، اشاره دارد. به عبارت دیگر، دی کی جلسه کلیسایی، تنها به تعداد معدودی این عطاداده شده که با تکلم به زبانی خاص، پیغامی خاص را به جماعت بدهند. با وجود این، مطابق نظر این مسیحیان، همه باید قادر باشند که با زبانی دیگر و بدون وجود ترجمه، خدا را پرستند و خطاب به او ادعا کنند (اول قرن‌تین ۱۴:۲۸۲)، و توسط این عطای فردی از برکات بهره‌مند شود.

گروهی دیگر از مسیحیان نیز نظری متفاوت دارند. بنظر ایشان اگر چه خدا در زمان تعمید روح القدس، توانایی تکلم به زبانی خاص را به جهت پرستش انفرادی به همه می‌بخشد، اما همه از آن استفاده نمی‌کنند. برخی ممکن است چیزی در مورد این عطا ندانند، برخی دیگر نیز ممکن است بخاطر دلایلی دیگر از این عطا استفاده نکنند. این مسیحیان اعتقاد ندارند که زبانها تنها نشانه تعمید روح القدس است. به نظر ایشان هر عطای روح القدس می‌تواند نشانه این باشد که قدرت روح القدس وارد زندگی ما شده است. این دیدگاه سوم، هم نظر با آن دیدگاه نخست است که از همه انتظار نمی‌رود که به زبانها تکلم کنند درعین حال هم نظر با آن دیدگاه نیز

هست که خدا می‌خواهد تا هر کس از عطای شخصی زبانها برخوردار باشد و توسط آن دعا کند و خدا را بپرستد.

خلاصه

هنگامی که ما در مورد قدرت و عطایای روح القدس می‌اندیشیم، باید بیاد داشته باشیم (۱) این قدرت و عطایا به جهت منفعت همگان (اول قرن‌تیاں ۷:۱۲، ۳:۱۴) و برای قدرت یافتن به جهت شهادت دادن به دیگران، داده شده است (اعمال ۸:۱). (۲) این قدرت و عطایا باید با محبت و به شکلی کنترل شده مورد استفاده قرار گیرند در غیر این صورت هیچ ارزشی ندارند (اول قرن‌تیاں ۳-۱:۱۳، ۱۴:۴۰). (۳) این عطایا باید طلبیده شوند و نباید منع گردند (اول قرن‌تیاں ۳۱:۱۲، ۱۴:۳۹۱). (۴) این عطایا نباید ما را از هم جدا کنند (اول قرن‌تیاں ۶-۱۲:۴). علیرغم وجود باورهای متفاوت در مورد عطایای روح القدس، ما در مسیح خواهد و برادر یکدیگر هستیم. در مسیح ما یک هستیم (اول قرن‌تیاں ۱۳:۱۲، غلاطیاں ۳:۲۷).

تعمید آب

آیات اصلی

متی ۲۰-۱۹:۲۸... همه امتها را شاگرد سازید... و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید.

مرقس ۱۶:۱۶ هر که ایمان آورده، تعمید یابد، نجات یابد.

یوحنا ۳:۳... اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود.

اعمال ۲:۳۸ توبه کنید و... به جهت آمرزش گناهان تعمید گیرید.

اعمال ۱۶:۲۲... تعمید بگیر و نام خداوند را خوانده، خود را از گناهانت غسل بده.

رومیان ۴-۳:۶ پس چونکه در موت او تعمید یافتیم، با او دفن شدیم.
غلاطیان ۳:۲۷ زیرا همه شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را دربرگرفتید.
افسیسیان ۲۶-۲۵:۵ مسیح هم کلیسارا محبت نمود... تا آن را به غسل آب بوسیله کلام طاهر ساخته، تقدیس نماید.

تیطس ۳:۵... (مسیح) ما را نجات داد به غسل تولد تازه و تازگی ای که از روح القدس است.
عبرانیان ۱۰:۲۲... دل‌های خود را از ضمیر بد پاشیده و بدن‌های خود را به آب پاک غسل داده، نزدیک بیاییم.
اول پطرس ۳:۲۱... که نمونه آن (یعنی نمونه آب طوفان در زمان نوح) یعنی تعمید اکنون ما را نجات می‌بخشد، بواسطه برخاستن عیسی مسیح.

تعمید آب چیست؟

تعمید آب تماس شخص با آب چه بوسیله پاشیدن یا ریختن آن بر یو یا غوطه ور شدن او در آن است که بنا به حکم مسیح در متی ۱۹:۲۸ به اسم اب و ابن و روح القدس انجام گیرد.
یهودیان عهدعتیق مراسمی شبیه به تعمید آب را بجا می‌آوردند. این مراسم ختنه کودک پسر در هشتمین روز پس از تولدش بود (پیدایش ۱۴-۱۷:۱۰). پولس رسول می‌گوید که ایمانداران به مسیح نباید مراسم ختنه جسمی را بجا آورند (اعمال ۲۹-۱۵:۱، غلاطیان ۵:۲). بسیاری از صاحب نظران در زمینه کتاب مقدس بر این باورند که معنای کولسیان ۱۲-۲:۱۱ این است که تعمید آب جایگزین ختنه جسمی شده است و این مراسم به «ختنه روحانی» ما توسط خود مسیح مرتبط می‌شود که در آن طبیعت گناه آلود ما از زندگی امان «بیرون افکنده» می‌شود.

یحیای تعمید دهنده به جهت آمرزش گناهان به تعمید توبه موعظه می‌کرد (مرقس ۱:۴). اما این تعمید همان تعمید مسیحی نبود. پس از مرگ و رستاخیز مسیح، دیگر تعمید یحیی برای مسیحیان کافی محسوب نمی‌شد (اعمال ۱۸:۲۵) و افسسیانی که قبلاً تعمید یحیی را یافته بودند مجدداً به نام خداوند عیسی تعمید گرفتند (اعمال ۷-۱:۱۹). باوجود این، تنها یک تعمید مسیحی وجود دارد (افسیسیان ۴:۵).

خود عیسی توسط یحیی در رودخانه اردن تعمید گرفت (متی ۱۷-۱۳:۳). اگر چه عیسی عاری از گناه بود و نیازی به توبه کردن نداشت، تعمید گرفت تا تمام عدالت را به کمال برساند (متی ۳:۱۵). در واقع پس از تعمید آب او، روح القدس بر عیسی نازل شد و به او برای خدمت قدرت بخشید (مرقس ۱:۱۰).

عیسی مرگ خود را بر صلیب «تعمید» نامید (لوقا ۱۲:۵۰). تعمید موت عیسی و رستاخیز او بنیان تعمید ما و دلیلی دال بر این است که چرا ما می‌توانیم تعمید یابیم (رومیان ۴-۶:۳، کولسیان ۲:۱۲، اول پطرس ۳:۲۱). از همان ابتدای تاریخ کلیسا، کلیسا از حکم عیسی پیروی کرده و ایمانداران جدید را تعمید داده است. نمونه‌هایی از تعمید مسیحی در عهدجدید که بیشتر جلب توجه می‌کنند عبارتند از: اعمال ۲:۴۱، ۸:۱۲:۳۸، ۱۰:۴۸، ۵-۱۶:۱۶۱۵:۱۹۳۳:۱. در بسیاری از این آیات، تعمید آب بلافاصله پس از اعتراف ایمان به مسیح انجام می‌شود. بسیاری از نمونه‌های تعمید در عهدجدید شامل تعمید کامل یک خانواده می‌شود (اعمال ۳۳-۱۰:۱۶۴۸:۱۶۳۱:۳۱).

تعمید پدیده خاص مسیحیت نیست. قبل از ظهور مسیح، اشخاص غیر یهودی که دین یهود را می‌پذیرفتند. اغلب در آب تعمید می‌گرفتند. در برخی از مذاهب «رمزی» یونانی باستان نیز از اشخاص خواسته می‌شد تا تعمید گیرند که در این تعمید بجای آب، خون بر سر فرد داوطلب تعمید چکانده می‌شد.

چرا با آب تعمید می‌گیریم؟

عیسی به ما حکم کرد ایمانداران جدید را تعمید دهیم (متی ۱۹:۲۸). تقریباً در تمامی فرهنگها و کشورها، تعمید آب بعنوان نشانه ترک نمودن مذهب قدیمی و گرویدن به مسیحیت تلقی می‌شود. این اقدام یکی از گامهای مقدماتی نجات محسوب می‌شود (اعمال ۲:۳۸). عیسی نیز وعده نجات را با تعمید مرتبط می‌سازد (مرقس ۱۶:۱۶). در تاریخ کلیسا، نظرات متفاوتی در مورد رابطه تعمید و نجات مطرح شده است.

برخی از مسیحیان بر این باورند که تعمید یکی از «ابزار فیض» است، یعنی یکی از طرقی که فیض خدا به ما بخشیده می‌شود. مهمترین ابزار فیض کلام خداست (رومیان ۱۰:۱۷، اول پطرس ۱:۲۳). این مسیحیان بر این باورند که فیض خدا از طریق تعمید آب نیز شامل حال ما می‌شود. حتی در تعمید آب نیز عامل مهم، کلام مکتوب خداست (افسیسیان ۵:۲۶). این مسیحیان معتقدند که در تعمید ما هم دارای نشانه مرئی هستیم (آب) و هم دارای عطایی درونی و روحانی (اتحاد با مرگ و رستاخیز مسیح، بخشایش گناهان و عضویت در کلیسا توسط روح القدس). این مسیحیان بر این باورند که توسط تعمید که براساس ایمان انجام می‌شود، زندگی ما حقیقتاً با مسیح مدفون شده و با او رستاخیز می‌یابیم (رومیان ۴-۶:۳، کولسیان ۲:۱۲) و مسیح را در برمی‌گیریم (غلاطیان ۳:۲۷). براساس کلام پطرس در اعمال ۲:۳۸ که می‌گوید ه جهت آمرزش گناهان تعمید گیرید، این مسیحیان بر این باورند که توسط تعمید آب، ما به شکلی خاص آمرزش گناهان را می‌یابیم. در اول پطرس ۳:۲۱ پطرس در مورد آن تعمیدی می‌نویسد که اکنون ما را نجات می‌بخشد... بواسطه برخاستن عیسی مسیح. پطرس

می‌گوید که این تعمید دور کردن کثافت جسم نیست بلکه شسته شدنی روحانیست که نتیجه آن ضمیر صالح است. بنابراین این مسیحیان می‌گویند که در تعمید گناهان ما عملاً «شسته» می‌شویم و ضمائر یا وجدانهای ما حقیقتاً پاک می‌شود (اعمال ۱۶:۲۲، افسسیان ۵:۲۶، تیطس ۵:۳، عبرانیان ۱۰:۲۲). از دیدگاه آنان، تعمید عملاً ختنه روحانی ما و به معنای بیرون کردن بدن جسمانی است (کولسیان ۱۲-۱۱:۲). عیسی فرمود... اگر کسی از آب و روح مولود نگردد ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود (یوحنا ۵:۳). این مسیحیان معتقدند که واژه «آب» در این آیه، به تعمید آب اشاره می‌کند. آب به تنهایی هیچ اثری ندارد، اما در آیین تعمید از آب، آنگونه که خدا حکم کرده است، همراه با کلام وعده او استفاده می‌شود (مرقس ۱۶:۱۶، افسسیان ۵:۲۶) و به همین دلیل تعمید آب موثر واقع می‌شود. در تعمید، خدا فیض خود را به انسان عرضه کرده و آن را {P} - در آبهای رود اردن قدرتی وجود نداشت، اما هنگامی که بگونه‌ای که خدا حکم کرده بود مطیعانه از آنها استفاده شد، نعمان شفا یافت (دوم پادشاهان ۱۴-۹:۵). {P}

می‌بخشد اما این فیض باید با ایمان دریافت شود. بدون ایمان به کلام وعده خدا، ما هیچ بهره‌ای نمی‌بریم. تعمید آب بخودی خود ایمان ما را به کلام وعده خدا تقویت می‌کند.

{P} - برخی از این مسیحیان می‌گویند که این تعمید «ابزار فیض» است، زیرا تعمید طریقی خاص برای افزایش ایمان ماست. {P}

بسیاری از مسیحیان این نظر را نمی‌پذیرند که فیضی خاص در تعمید آب وجود دارد. از آنجایی که در کتاب قمدس آیات زیادی وجود دارند که تنها ایمان به عیسی (یوحنا ۱:۱۲، ۱۶:۳، رومیان ۱۰-۱۰:۹) یا ایمان به کلام خدا را (رومیان ۱:۱۶، ۱۷:۱۰، اول پطرس ۱:۲۳) طریقی دریافت برکات الهی می‌دانند، این مسیحیان بر این باورند که کلام خدا تنها «ابزار فیض» است. از نظر آنان، شنیدن کلام خدا و ایمان داشتن به عیسی، تنها چیزهاییست که ما برای نجات یافتن به آنها نیازمندیم. این مسیحیان بر این باورند که تعمید آب صرفاً نشانه یا نمادی است که بیانگر آن اتفاقیست که در هنگام ایمان آوردن در ما رخ می‌دهد. از نظر آنان، تعمید ما را حقیقتاً پاک نمی‌سازد یا به طریقی خاص آمرزش گناهان را برای ما به ارمغان نمی‌آورد بلکه فقط نمادی از مرگ ما با مسیح دربرگرفته شدن از سوی مسیح و ختنه شدن از سوی اوست (رومیان ۵-۳:۶، غلاطیان ۳:۲۷، کولسیان ۱۲-۱۱:۲). تعمید از نظر ایشان صرفاً ۳ نشانه‌ای ظاهری از آن رخدادیست که در هنگام ایمان آوردن، در ما بوقوع می‌پیوندد. برخی بر این باورند که مولود شدن از آب در یوحنا ۵:۳، به تولد جسمی اشاره دارد. برخی دیگر بر این باورند که آب به کلام خدا اشاره می‌کند. برخی از این مسیحیان همچنین می‌گویند که تعمید شهادتی است که فرد در مورد ایمان خود به جهان می‌دهد بنابراین باید در حضور جمع انجام شود و نه در

خلوت. برخی از این مسیحیان بر این باورند که همانگونه که ختنه در عهدعتیق نشانه‌ای از عهد خدا با یهودیان بود، تعمید نیز نشانه‌ای از عهد خدا با قوم خویش است. آنان در تأیید این مدعایشان به کولسیان ۱۳-۲:۱۱ اشاره می‌کنند.

در مورد معنای تعمید، برخی مسیحیان حقیقی دیدگاه نخست را می‌پذیرند و برخی دیدگاه دوم را. همه آنان نیز ایمان دارند که از تعلیم کتاب مقدس پیروی می‌کنند. ما هر دیدگاهی را هم که بپذیریم، نباید دیگران را که دیدگاه دیگر را دارند، داوری کرده و محکوم نماییم.

در ارتباط با این موضوع، سؤالات متعددی در باب ضرورت و لازم الاجرا بودن تعمید مطرح میشود. نخستین سؤال این است: اگر ایمان‌داری بدون تعمید گرفتن بمیرد چه اتفاقی می‌افتد؟ کتاب مقدس پاسخی قطعی به ما نمی‌دهد. تقریباً تمامی مسیحیان در این مورد متفق القولند که چنین شخصی نجات می‌یابد. مطابق مرقس ۱۶:۱۶ این ایمان نیاوردن است که باعث محکومیت شخص می‌شود و نه تعمید نگرفتن. شخص جنایتکاری که در لوقا ۴۳-۲۳:۴۰ به او وعده فردوس داده می‌شود، این فرصت را پیدا نکرد که تعمید گیرد. با وجود این کلیسا همیشه ایمان داشته است که کسی که از تعمید گرفتن خودداری می‌کند، در وضعیت خطرناکی قرار دارد. آیا این شخص دارای ایمان حقیقیست؟ اگر ما آگاهانه پیوسته از پذیرش حکم مسیح سرباز زنیم، وارد ملکوت آسمان نخواهیم شد (متی ۷:۲۱). بنابراین هنگامی که رهبران کلیسا آماده تعمید دادن کسی هستند، این شخص نباید در انجام این کار تعلل ورزد، بلکه باید در اولین فرصت تعمید گیرد.

سؤال دوم است: اگر ایمان‌داری که تعمید گرفته، علیه خدا عصیان کند و زندگی‌اش در گناه سپری شود اما پس از مدتی توبه کرده و به سوی مسیح بازگردد، آیا نیاز هست که دوباره تعمید گیرد؟ کلیسا همواره به این سؤال پاسخ منفی داده است. تنها یک تعمید وجود دارد (افسیان ۴:۵). پس از اینکه خدا ما را فرزندان خودش می‌سازد، ممکن است ما علیه او عصیان کرده و مزایای فرزند خدا بودن را از دست بدهیم. اگر بعدها توبه کنیم، دیگر نیازی نیست که مجدداً فرزند خدا شویم بلکه فقط باید گناهانمان آمرزیده شوند (لوقا ۲۴-۱۵:۱۱). حتی هنگامی که ما امین نیستیم، خدا امین است (رومیان ۳:۱۱۳-۲۹، دوم قرنتیان ۱:۱۰).

سؤال مشابه دیگری را نیز می‌توان مطرح کرد: هنگامی که ما در کلیسایی تعمید می‌گیریم، هنگامی که به کلیسایی دیگر ملحق می‌شویم آیا مجدداً باید تعمید بگیریم؟ پاسخ این سؤال نیز منفیست. تنها یک تعمید مسیحی وجود دارد (افسیان ۴:۵). ایمان‌داری که در نام اب و ابن و روح القدس تعمید می‌گیرد (متی ۲۸:۱۹) نیازی ندارد که دگر باره تعمید گیرد.

در کلیسا در مورد تعمید کودکان، سنت‌های مختلفی وجود دارد. در تاریخ کلیسا، در قدیمی‌ترین مباحثی که در مورد تعمید بدست ما رسیده است، به تعمید کودکان اشاره می‌شود اما در دوران اصلاحات کلیسا در قرن شانزدهم بود که برخی کلیساهای پروتستان این نظر را مطرح کردند که تنها اشخاص بالغ و کودکانی که خردسال نیستند می‌توانند تعمید گیرند. بسیاری از کلیساها امروزه چنین باوری دارند. مسیحیان این کلیسا خاطر نشان می‌کنند که در مورد تعمید کودکان در کتاب مقدس نمونه‌های روشنی وجود ندارند. آنان بر این باورند که تنها کسانی می‌توانند تعمید گیرند که بتوان اعتقادات مسیحی را به ایشان تعلیم داد و نیز بتوانند با دهان خود اعتراف کنند که عیسی خداوند است (رومیان ۱۰-۹:۱۰). از نظر این مسیحیان شخص ابتدا باید توبه کند و آنگاه تعمید گیرد (اعمال ۲:۳۸). آنان این تعمید را «تعمید ایمانداران» می‌خوانند (اعمال ۸:۳۷). آنان معتقدند که اطفال نه می‌توانند توبه کنند و نه ایمان حقیقی داشته باشند، بنابراین صحیح نیست کودکان خردسال تعمید گیرند. در بسیاری از این کلیساها پایتترین سن برای تعمید کودکانی که ایمان دارند ده یا دوازده سالگی است. کلیساهای اندکی نیز اگر کودکی در سن پنج یا شش سالگی به روشنی ایمان خود را اعلام کند، او را تعمید می‌دهند، در بسیاری از این کلیساها که کودکان را تعمید نمی‌دهند، بجای تعمید، مراسم تقدیم کودکان به اشکال مختلف انجام می‌شود.

با وجود این، بسیاری از کلیساهای پروتستان، فرزندان والدین ایماندار را، مدت کوتاه پس از تولد تعمید می‌دهند. این مسیحیان خاطر نشان می‌کنند که در کتاب مقدس هیچ نمونه‌ای از مراسم تقدیم کودکان در کلیسای اولیه ذکر نشده است. همچنین نمونه‌ای از تعمید فرزند والدینی مسیحی را نمی‌بینیم که بعدها پس از بالغ شدن، برای تعمید مراجعه کرده باشد. این گروه از مسیحیان خاطر نشان می‌سازند که در کتاب مقدس ما شاهد تعمید تمامی اعضای خانواده یک شخص هستیم و به احتمال قریب به یقین این خانواده‌ها صاحب کودکانی نیز بودند (اعمال ۱۶:۱۶-۱۶:۳۳، اول قرن‌تیان ۱:۱۶). آنان بر این باورند که آیین تعمید همانند ختنه قزطندان پسر در عهدعتیق است، که هم در مورد کودکان یهودی و هم در مورد اشخاص بالغی که از امتها به دین یهود می‌گرویدند، انجام میشد. هنگامی که والدین اطفال و بچه‌های خود را نزد عیسی آوردند، او فرمود: «بگذارید که بچه‌های کوچک نزد من آیند... زیرا ملکوت خدا از امثال اینها است» (مرقس ۱۰-۱۳:۱۰، لوقا ۱۷-۱۶:۱۸). بنابراین این گروه بر این باورند که فرمان عیسی دال براینکه ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید

دهید، نه تنها به تعمید اشخاص بالغی که ایمان می آورند، بلکه همچنین به تعمید اطفال و کودکان نیز اشاره دارد (متی ۱۹:۲۸، اعمال ۳۹:۲).

این سؤال حول محور معنای تعمید می چرخد. آیا تعمید کودکان با معنای تعمید همخوانی دارد؟ مسیحیانی که ایمان دارند که تعمید طریقی برای دریافت فیض خداست، معمولاً کودکان را تعمید می دهند. برخی از این مسیحیان بر این باورند که اطفال نیز می توانند ایمان داشته باشند (به مقاله عمومی «کودکان و ملکوت خدا» مراجعه کنید). برخی دیگر بر این باورند که ایمان والدین کافیت (یعنی همان نظری که یهودیان در مورد ختنه کودکان داشتند). با وجود این هنگامی که کودک تعمید گرفته به شخصی بالغ تبدیل شد، برای اینکه نجات بیاید، باید به مسیح ایمان داشته باشد. کلیساهایی که معتقدند تعمید فقط یک نماد است، ممکن است کودکان را تعمید ندهند. اگر کلیساهایی بر این باور باشند که تعمید عهدجدید جانشین ختنه کردن در عهدعتیق شده که نشانه‌ای از عهد خدا با گروهی از اشخاص بود، چنین کلیساهایی معمولاً کودکان را تعمید می دهند. اگر آنان بر این باور باشند که تعمید شهادت فرد برایمان خود در حضور دیگران و دنیاست یا شخص باید بتواند با دهانش به مسیح اعتراف کند، آنگاه آنقدر صبر می کنند تا فرد به سنی برسد که بتواند ایمان خود را به عیسی اعتراف کند.

کدام روش تعمید صحیح است؟

سه روش عمده برای تعمید دادن وجود دارند که عبارتند از: غوطه ورشدن در آب، پاشیدن قطرات آب و ریختن آب. در بسیاری از کلیساها پاشیدن قطرات آب یا ریختن آن روی سر اشخاص، آنها را تعمید می دهند. در مورد تعمید کودکان معمولاً از دو روش فوق استفاده می شود، اگر چه در گذشته کودکان را نیز در آب غوطه ور می ساختند. برای بزرگسالان، هر سه روش بکار گرفته می شود. معمولاً اشخاص زمینگیر و بیمار یا اشخاصی را که در مناطق بدآب و هوا چون بیابانها و قطب شما زندگی می کنند، توسط غوطه ور کردن در آب تعمید نمی دهند به هر حال از دوران کلیای اولیه تا کنون، هر سه روش در زمانها و مکانهای مختلف بکار گرفته شده است.

خود کتاب مقصد دقیقاً نمی گوید که تعمید چگونه باید صورت گیرد. در زمان نگارش عهدجدید، تعمید معمولاً در رودخانه‌ها (مرقس ۵:۱) یا مکانهایی که آب بسیار در آنها وجود داشت (یوحنا ۳:۲۳)، انجام می شد. تعمید به شکل غوطه ورشدن در چنین مکانهایی به سهولت انجام می شد و احتمالاً شایع ترین شکل تعمید بود. اما گاهی تعمید به شکل غوطه ورشدن بسیار مشکل می شد. برای مثال شخص حبشی در صحرا تعمید گرفت

(اعمال ۳۸-۳۶:۸). زندانبان زندان فیلیپی و خانواده‌اش به هنگام نیمه شب و در فاصله زمانی‌ای که زخمهای رسولان را می‌شستند و غذا خوردند تعمید گرفتند (اعمال ۳۳:۱۶). و در روز پنتیکاست نیز سه هزار نفری که ایمان آورده بودند، با هم تعمید گرفتند (اعمال ۴۱:۲). بسیاری از علمای الهی معتقدند در این موقعیتها بخاطر وجود مشکلات تعمید به شکل ریختن آب یا پاشیدن آن، صورت گرفته است.

واژه یونانی که بجای تعمید بکار رفته، معانی متعددی دارد. کلی‌ترین معنای آن «غوطه ور شدن» است.

غوطه ور {P - عهدجدید در اصل به زبان یونان نوشته شده است. P}

شدن در آب نمادی روشن برای نشان دادن مرگ و مدفون شدن ما با مسیح است (رومیان ۴-۳:۶). بنابراین بسیاری از کلیساها تنها با غوطه ور ساختن در آب، آنها را تعمید می‌دهند. با وجود این، «غوطه ور شدن» تنها معنای واژه تعمید نیست. در توصیف آیین شستشو که در مرقس ۴-۳:۷ ذکر شده، در زبان یونانی همان واژه‌ای بکار رفته که در مورد تعمی بکار برده می‌شود و به معنای «پاشیدن» نیز هست (به لوقا ۳۸:۱۱-۳۹ مراجعه کنید). «تعمید روح القدس» (اعمال ۵:۱) که امتهای نیز آن را یافتند، به معنای «ریخته شدن» روح نیز توصیف شده (اعمال ۱۷:۲-۱۸، ۴۵-۴۴:۱۰). کتاب مقدس همچنین می‌گوید ما باید «دلهای خود را از ضمیر بد پاشیده» و نزدیک بیابیم (حزقیال ۲۵:۳۶، عبرانیان ۱۰:۲۲)، که به نظر بسیاری از مسیحیان این آیه به تعمید آب اشاره دارد. بنابراین بسیاری از کلیسا، توسط پاشیدن آب یا ریختن آن بر اشخاص، آنها را تعمید می‌دهند.

خلاصه

در این مقاله سه سؤال مهم در مورد تعمید مورد بحث و بررسی قرار گرفت: (۱) معنای تعمید چیست؟ آیا تعمید وسیله دریافت فیض است یا صرفاً یک نماد است؟ (۲) آیا کودکان را نیز می‌توان تعمید داد یا اینکه فقط اشخاص بالغ و بزرگسال می‌توانند تعمید گیرند؟ (۳) آیه هر سه شکل بکارگیری آب در تعمید معتبرند یا فقط شکل غوطه ور شدن معتبر است؟ تنها با مطالعه قسمتهایی از کتاب مقدس که به این موضوعات مربوط می‌شوند، می‌توانیم به این سؤالات پاسخ بدهیم. و به هر پاسخی هم دست بیابیم نباید مسیحیان دیگر را چون به پاسخی دیگر دست یافته‌اند داور کرده یا محکوم کنیم. کتاب مقدس به این سؤالات پاسخی مشخص و قطعی نمی‌دهد. باور شخصی ما در مورد تعمید نباید ما را از دیگر خواهران و برادرانی که مسیح بخاطرشان مرد، جدا سازد. یک جسد هست و یک روح، چنانکه نیز دعوت شده‌اید- یک خداوند، یک ایمان، یک تعمید، یک خدا و پدر همه که فوق و در میان همه و در همه شما است (افسیسیان ۴:۴-۶).

عطایای روح القدس در عهد جدید

اول قرنتیان 29: 12 - 30	اول قرنتیان 28 : 12	اول قرنتیان 10 - 8 : 12
<p>رسول (رسالت)</p> <p>عطای نبوت</p> <p>عطای تعلیم</p> <p>عطای شفاها</p> <p>عطای معجزات</p> <p>عطای زبانها</p> <p>عطای ترجمهٔ زبانها</p>	<p>رسول (رسالت)</p> <p>عطای نبوت</p> <p>عطای تعلیم</p> <p>عطای کمک به دیگران</p> <p>عطای رهبری و اداره کردن</p> <p>عطای شفاها</p> <p>عطای معجزات</p> <p>عطای زبانها</p>	<p>کلام حکمت (بیان راه حل‌های حکیمانه)</p> <p>کلام علم (دانستن اسرار)</p> <p>عطای ایمان (متفاوت با ایمان نجاتبخش)</p> <p>عطای شفاها</p> <p>عطای معجزات</p> <p>تشخیص ارواح</p> <p>عطای زبانها</p> <p>عطای ترجمهٔ زبانها</p>
اول پطرس 4 : 11	افسیان 4 : 11	رومیان 6 : 12 - 8
<p>عطای سخنوری</p> <p>عطای خدمت کردن</p>	<p>رسول (رسالت)</p> <p>عطای نبوت</p> <p>عطای بشارت</p> <p>عطای تعلیم - شبانی</p>	<p>عطای نبوت</p> <p>عطای خدمت کردن</p> <p>عطای تعلیم</p> <p>عطای تشویق کردن</p> <p>عطای بخشیدن (سخاوتمندی)</p> <p>عطای رهبری</p> <p>عطای بخشیدن (رحم و عطوفت)</p>